

تعاون و کشاورزی، سال سوم، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۹۳

عوامل مؤثر بر موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی شهرستان قائمشهر

امیر احمدپور^{۱*}، محدثه عبدی ترکامی^۲، شهره سلطانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۷/۲۱

چکیده

هدف تحقیق توصیفی- همبستگی حاضر، ارزیابی میزان موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی و عوامل مؤثر بر آن بود. ابزار تحقیق پرسشنامه‌ای بود که روایی و پایایی آن با استفاده از نظر متخصصان و آزمون آلفای کرونباخ (میانگین آلفا=۰/۸۶) تأیید شد. جامعه آماری تحقیق شامل زنان روستایی عضو صندوق اعتبارات خرد شهرستان قائمشهر (N=۲۲۵) بود که ۱۴۴ نفر از میان آن‌ها براساس جدول کرجسی و مورگان و با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تناسبی به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند (n=۱۴۴). نتایج توصیفی تحقیق نشان داد که میزان موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی از نظر بیشتر پاسخگویان در سطح خوب (متوسط به بالا) است. نتایج حاصل از یافته‌های استنباطی نیز نشان داد که رابطه مثبت و معنی‌داری بین عوامل اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، حمایتی، عملکردی و ویژگی‌های شخصیتی پاسخگویان با میزان موفقیت این صندوق وجود دارد. در آزمون رگرسیون چندگانه خطی، عوامل عملکردی صندوق، عوامل اجتماعی، حمایتی و ویژگی‌های شخصیتی پاسخگویان توانایی تبیین ۵۰/۱ درصد از تغییرات میزان موفقیت صندوق را دارا بودند. از جمله پیشنهادهای اصلی این تحقیق می‌توان به گسترش خدمات آموزشی برای اعضای صندوق‌ها و جلب مشارکت اعضای صندوق‌ها در اجرای سایر طرح‌های توسعه‌ای اشاره کرد.

واژه‌های کلیدی: صندوق اعتبارات خرد، زنان روستایی، شهرستان قائمشهر

۱. استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری

E-mail: Ahmadpour@iausari.ac.ir

* نویسنده مسئول

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری

۳. استادیار مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی، تهران

مقدمه

توسعه و عمران روستایی در چند دهه اخیر همواره یکی از دغدغه های اصلی توسعه در ایران و اکثر کشور های در حال توسعه بوده است. با گذشت بیش از نیم قرن تجربه توسعه و توسعه روستایی در کشورهای در حال توسعه، مسائل و مشکلات متعددی در روند توسعه مناطق روستایی وجود دارد که ضرورت تبیین الگوی مناسب برای توسعه مناطق روستایی جهان و بازنگری و تأملی عمیق را در مبانی، مفاهیم و روش های به کار رفته در توسعه روستایی به وجود آورده است. از این رو، برنامه ریزان توسعه روستایی در سال های اخیر به نقش زنان روستایی در توسعه، به ویژه در توسعه پایدار، توجهی خاص مبذول داشته اند.

تحقیقات اخیر نشان دهنده نقش عظیم زنان در کارآفرینی و ایجاد شغل است. در سال ۲۰۱۰، تقریباً ۴۲ درصد از کارآفرینان دنیا زنان بوده اند (De Vita et al., 2014). با این حال، بدون وجود سرمایه و اعتبارات لازم، به فعالیت در آوردن استعدادها و بهره برداری از توان های طبیعی و انسانی و کارآفرینی در گروه های مختلف، شامل گروه های زنان، امکان پذیر نیست (محمدی یگانه، ۱۳۹۲)؛ لذا توانمندسازی مالی زنان روستایی در قالب اعتبارات خرد و کلان مورد توجه برنامه ریزان این حوزه قرار گرفت. عمادی (۱۳۸۴) اظهار می دارد که نظام اعتبارات خرد یکی از راهکارهای مطرح شده در دو دهه اخیر بوده که به منظور تسریع فرایند سرمایه گذاری و تقویت بنیادهای مالی و پس انداز در مناطق روستایی و نهایتاً توانمندسازی جوامع روستایی و فقرزدایی به مرحله اجرا در آمده است.

اعتبارات خرد قابلیت ها و ارزش های خود را در نقش ابزاری مؤثر در مبارزه با فقر و گرسنگی و افزایش توانمندی زنان اثبات کرده است (Weber & Ahmad, 2014; Deininger & Liu, 2013). در واقع، اعتبارات خرد در آشکال وام های کوچک، حساب های پس انداز و ارائه انواع خدمات مالی و بانکی، خانواده های کم درآمد و فقیر را به افزایش درآمدشان امیدوار ساخته است به گونه ای که آنها می توانند در برابر موانع و مشکلات غیر منتظره از خود محافظت کنند و سطح زندگی کنونی خویش را بهبود بخشند و برای تغذیه، مسکن و آموزش فرزندانشان سرمایه گذاری

نمایند که دستیابی به این شرایط در زمره اصلی‌ترین اهداف برنامه هزاره سوم یعنی ریشه کنی فقر مطلق از جوامع بشری است (ازکیا و ایمانی، ۱۳۸۴).

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

اندرسون و لاکر (Anderson & Locker, 2002) اعتبارات خرد را راهبردی در توسعه اقتصادی با هدف دسترسی زنان و مردان کم‌درآمد به منابع اعتباری می‌دانند که منجر به بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی آن‌ها می‌شود. این راهکار، که به موقعیت‌های چشمگیری در کشورهای در حال توسعه نائل آمده است، سبب شد تا سازمان ملل متحد سال ۲۰۰۵ را به عنوان سال اعتبارات خرد نام‌گذاری کند (صدقی سیگارچی، ۱۳۸۹). در واقع، تأمین اعتبارات خرد اولین قدم برای کاهش فقر است، زیرا که این اعتبارات، به مانند پنجره‌ای، افقی از فرصت‌های شغلی را برای جوامع روستایی نمایان می‌سازد (Sanyang & Huang, 2008). در مجموع، به لحاظ نظری، تأمین اعتبارات خرد می‌تواند از طریق ایجاد فرصت برای سرمایه‌گذاری در دارایی‌های فیزیکی، مالی، و انسانی، زمینه افزایش درآمد و دارایی‌های شرکت‌کنندگان را فراهم آورد و در نتیجه موجب بهبود معیشت خانوارها شود. تأمین اعتبارات خرد علاوه بر افزایش درآمد و دارایی، می‌تواند صرف سرمایه‌گذاری در کسب و کارهای خرد شود و به تنوع‌بخشی منابع درآمدی منجر گردد. همچنین از آنجا که درآمد، دارایی، و تنوع منابع درآمدی، شرکت‌کنندگان را در برابر موقعیت‌های دشوار تقویت می‌کند، موجب کاهش آسیب‌پذیری آن‌ها نیز می‌شود. تأمین اعتبارات خرد در حقیقت می‌تواند با افزایش دارایی‌ها و قابلیت‌های زنان شرکت‌کننده، فرصت مشارکت و تصمیم‌گیری درباره مسائل زندگی و قدرت تأثیرگذاری بر محیط اطرافشان را فراهم کند؛ یعنی، موجب توانمندسازی آنان شود (علاء الدینی و جلالی موسوی، ۱۳۸۹).

ارائه اعتبارات خرد به کشاورزان کوچک از اواسط سده نوزدهم میلادی با ایجاد شرکت‌های تعاونی اعتبار از سوی فردریک رافایزن درآلمان آغاز شده و در اوایل سده بیستم در برخی از کشورهای در حال توسعه مانند هندوستان گسترش زیادی یافته است، ولی این جنبش و یا

«انقلاب اعتبارات خرد» به طور جدی، با ایجاد «گرامین بانک» یا بانک دهکده در سال ۱۹۸۳ در بنگلادش آغاز شده و به بسیاری از کشورهای در حال توسعه مانند ایران گسترش پیدا کرده است (نجفی، ۱۳۸۴). در ایران نیز طرح صندوق اعتبارات خرد با استفاده از تجربه گرامین بانک بر مبنای "الگوی پس انداز و وام دهی گروهی" به عنوان الگویی موفق در جوامع روستایی و پس از بومی‌سازی توسط کارشناسان مرکز تحقیقات وزارت جهاد کشاورزی به صورت آزمایشی در سال ۱۳۷۹ در دو استان مازندران و کرمانشاه با دو شیوه متفاوت به اجرا درآمد و پس از موفقیت برنامه اجرا شده در استان مازندران، از سال ۱۳۸۰ نسبت به توسعه و گسترش آن با رویکرد اجتماعی اقدام گردید.

تا کنون، تحقیقات زیادی در مورد موفقیت صندوق (برنامه) اعتبارات خرد صورت گرفته است؛ برای مثال، سازمان‌ها و نهادهای دولتی در مناطق روستایی بنگلادش و مالی و شهرهای بولیوی با وجود منابع زیادی که در سه دهه اخیر در اختیار داشته‌اند هنوز نتوانسته‌اند به اندازه نظام اعتبارات خرد موفق باشند و رفع فقر کنند. در واقع، تجارب به دست آمده بسیار موفقیت آمیز بوده و نوید دهنده آن است که فقدان نقدینگی و نظام بازپرداخت از طریق این نظام به کلی حل شده است (حسن زاده، ۱۳۸۳). علاء الدینی و جلالی موسوی (۱۳۸۹) با جمع‌بندی مطالعات مختلف اظهار می‌دارند که بهبود معیشت خانوارهای شرکت کننده، کاهش آسیب پذیری خانوارها و بهبود وضعیت زنان و کودکان در کنار توانمندسازی زنان از آثار مثبت اجرای برنامه های تأمین مالی خرد است. بریمانی و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی در شهرستان سلماس پرداختند و نشان دادند که اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی مؤثر بوده است و گروهی از زنانی که وام گرفته بودند نسبت به گروهی که وام دریافت نکرده بودند از لحاظ اقتصادی توانمندتر شده و از نظر روانی (اعتماد به نفس) نیز در وضعیت بهتری قرار داشتند.

زارعی و میرباقری (۱۳۹۲) در مورد عوامل مؤثر بر گرایش زنان روستایی به مشارکت در صندوق اعتبارات خرد تحقیقی را در استان مازندران انجام دادند که نشان داد متغیرهای ویژگی‌های

شخصیتی زنان روستایی، عوامل فرافردی، میزان هزینه - فایده ناشی از مشارکت در صندوق و ویژگی های اجتماعی - اقتصادی زنان روستایی با متغیر وابسته رابطه معنادار داشته‌اند.

فواندی و همکاران (۱۳۹۰) در بررسی عوامل تأثیرگذار بر موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی در مناطقی از شهرستان سریشه استان خراسان جنوبی نشان دادند که متغیرهای میزان استفاده از مجراهای ارتباطی، میزان تسهیلات اعطایی، میزان رضایت از صندوق و دفعات جلسات آموزشی برگزار شده در زمینه صندوق بیشترین سهم را در تغییرات متغیر میزان موفقیت صندوق دارند.

کوشکی و دیگران (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان «عوامل مؤثر بر بهبود مشارکت زنان روستایی در صندوق های اعتبارات خرد روستایی استان کرمانشاه» نشان دادند که عوامل آموزشی - مدیریتی، اجتماعی - روان شناختی و اقتصادی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در صندوق اعتبارات خردند.

معظمی و رحیمی (۱۳۸۴) به بررسی پوشش و پایداری برنامه‌های اعتبارات خرد در ایران با تأکید بر صندوق های اعتبارات خرد زنان روستایی پرداختند. نتایج به دست آمده از این تحقیق حاکی از آن است که برنامه های اعتبارات خرد سبب اشتغال پایدار شده و به کارایی اهمیت خاصی داده است که از مهم‌ترین ویژگی این برنامه‌ها کاهش هزینه‌های بالاسری صندوق‌ها و از دیگر دستاوردهای آن افزایش دسترسی زنان کم‌درآمد و سرپرست خانوار به خدمات مالی بوده به طوری که ۸۰ درصد از موارد مورد مطالعه در گذشته به هیچ نوع وامی دسترسی نداشته‌اند و این وام‌ها سبب کاهش فقر، افزایش درآمد و میزان دارایی زنان روستایی شده است.

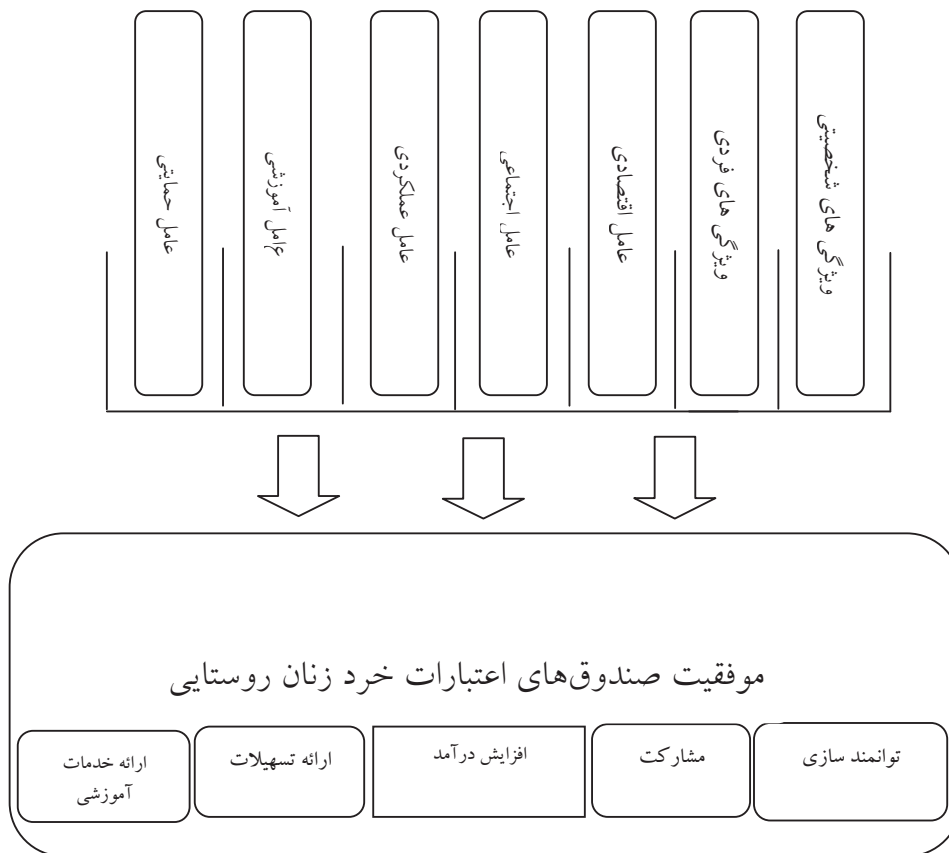
در بین تحقیقات خارجی، مطالعه دینینگر و لیو (Deininger & Liu, 2013) در مورد زنان کارآفرین کشورهند نشان داد که برنامه اعتبارات خرد موجب افزایش توانمندی زنان و بهبود سطح تغذیه آنها شده است، اما تأثیری بر درآمد آنها نداشته است. نتایج بلندمدت برنامه از نتایج کوتاه‌مدت آن برای مردم بهتر ارزیابی شده است. در کوتاه مدت، برنامه موجب افزایش میزان مصرف و متنوع‌سازی درآمد شده است. سان یانگ و هانگ (Sanyang & Huang, 2008) نیز

در مطالعه خویش نشان دادند زمانی که اعتبارات خرد روستایی با دیگر مداخلات مانند آموزش مهارت های ساده و فنی شغلی و عوامل اجتماعی مانند اعتماد به نفس و مسئولیت پذیری اعضا و حمایت سازمان های غیردولتی ادغام شود می تواند موفقیت بیشتری در کارآفرینی داشته باشد.

ولچنک (Volschenk, 2002) در تحقیق خویش نتیجه گرفت که سطح تحصیلات اعضا و نظام های اطلاعات مدیریتی، هزینه نهاده ها و تولید، جنبه های بازاریابی و تنوع محصولات تولیدی و دسترسی به سرمایه مهم ترین عواملی هستند که منجر به افزایش موفقیت برنامه های اعتبارات خرد روستایی می شوند.

مولونگا (Mulunga, 2010) نیز در تحقیقی مشابه عواملی مانند اطلاعات درباره مشتریان، هزینه های عملیاتی تولید محصول، سطح تحصیلات اعضا، قوانین و مقررات حمایتی، سطح مهارت های اعضا و دسترسی به سرمایه و رفاه را بر موفقیت برنامه های اعتبارات خرد روستایی مؤثر دانستند.

با توجه به مطالب پیش گفته، مجموع موفقیت صندوق های اعتبارات خرد را می توان در قالب پنج بعد لحاظ کرد: توانمندسازی، مشارکت، افزایش درآمد، ارائه تسهیلات و ارائه خدمات آموزشی. از سوی دیگر، طبق نتایج مطالعه انجام شده، ویژگی های فردی، عوامل اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و حمایتی اعضا و عملکرد صندوق اعتبارات خرد بر موفقیت آن در ابعاد مختلف می تواند تأثیرگذار باشند و بنابراین، چارچوب مفهومی شکل ۱ برای انجام تحقیق در نظر گرفته شد.



شکل ۱. عوامل مؤثر بر موفقیت صندوق های اعتبارات خرد روستایی

روش تحقیق

تحقیق حاضر از لحاظ روش، توصیفی- تحلیلی و از لحاظ هدف، کاربردی بوده و از لحاظ جمع آوری داده ها نیز ماهیت کمی داشته است. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه زنان روستایی استان مازندران عضو صندوق اعتبارات خرد شهرستان قائمشهر ($N=225$) در سال ۱۳۹۲-۹۳ بود که از این میان، تعداد ۱۱۴ نفر با استفاده از جدول کرجسی و مورگان (Krejcie & Morgan, 1970) و به روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای تناسبی به عنوان نمونه آماری با احتساب چهار روستای نجار کلا، ملک کلا، واسکس و بروخیل ارطه)

به‌عنوان طبقات نمونه‌گیری انتخاب شدند (جدول ۱). شایان توجه است که زنان روستایی به دختران و زنان بین ۱۵ سال سن تا ۶۰ سال اطلاق می‌شود که عرفاً یا قانوناً ساکن محل مورد مطالعه باشند.

جدول ۱. حجم جامعه آماری و نمونه به تفکیک روستا (واحد: نفر)

ردیف	نام روستا	حجم جامعه	حجم نمونه	درصد نمونه در جامعه آماری
۱	نجار کلا	۵۰	۳۲	٪۲۲
۲	ملک کلا	۵۰	۳۲	٪۲۲
۳	واسکس	۶۵	۴۲	٪۲۹
۴	بروخیل ارطه	۶۰	۳۸	٪۲۷
	جمع کل	۲۲۵	۱۴۴	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

ابزار گردآوری داده‌ها و اطلاعات موردنظر، پرسش‌نامه‌ای محقق ساخته بود که براساس مرور ادبیات پژوهش و نظرخواهی از صاحب‌نظران این حوزه تهیه شد. پرسش‌نامه از سه بخش زیر تشکیل شده است: الف) بخش اول برای ارزیابی میزان موفقیت صندوق اعتبارات خرد در آبعاد توانمندسازی اعضا (۵ گویه)، مشارکت اعضا (۵ گویه)، افزایش درآمد اعضا (۳ گویه)، ارائه تسهیلات (۵ گویه) و خدمات آموزشی به اعضا (۵ گویه)؛ ب) بخش دوم برای سنجش عوامل اقتصادی (۴ گویه)، اجتماعی (۷ گویه)، آموزشی (۶ گویه)، عملکردی (۶ گویه)، حمایتی (۳ گویه) و شخصیتی پاسخگویان (۵ گویه)؛ ج) بخش سوم جهت بررسی ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخگویان مانند سن و سطح تحصیلات. شایان توجه است که در سنجش بخش‌های اول و دوم پرسش‌نامه از طیف لیکرت پنج قسمتی در دامنه خیلی کم=۱، کم=۲، متوسط=۳، زیاد=۴ و خیلی زیاد=۵ استفاده شد. جهت تعیین روایی پرسش‌نامه، چندین نسخه از آن در اختیار گروهی از متخصصان شامل استادان علوم کشاورزی و تعدادی از کارشناسان مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان قائم‌شهر قرار داده شد و اصلاحات لازم بر حسب پیشنهادهای آن‌ها صورت گرفت.

جهت تعیین ضریب اعتبار، تعداد ۳۰ پرسش‌نامه، خارج از پاسخگویان حجم نمونه توزیع گردید. پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌های مذکور، داده‌ها وارد رایانه شد و اعتبار پرسش‌نامه با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ به طور متوسط ۰/۸۶ به دست آمد.

در این تحقیق از روش‌های آماری توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار، ضریب تغییرات، کمینه و بیشینه) و استنباطی (آزمون تی استیودنت، ضرایب همبستگی پیرسون و اسپیرمن، و تحلیل رگرسیون چندگانه) استفاده شد. برای پردازش داده‌ها، نرم‌افزار آماری ۱۶ SPSS نسخه به کار رفت.

نتایج و بحث

ویژگی‌های فردی زنان روستایی مورد مطالعه

میانگین سن پاسخگویان حدوداً ۳۹ سال با انحراف معیار ۸/۵ سال بوده که بیشترین آنان (۵۶ یا ۳۸/۹۰٪) در گروه سنی ۴۰-۵۰ سال قرار داشتند. میانگین سابقه کشاورزی پاسخگویان ۱۳/۲۴ سال با انحراف معیار حدوداً ۶ سال بوده که بیشترین آنان (۵۳ یا ۳۶/۸۰٪) در گروه سنوای ۱۱-۱۵ سال قرار داشتند. پاسخگویان به طور متوسط دارای خانواده‌هایی حدوداً ۴ نفره بودند. میانگین درآمد ماهانه پاسخگویان حدود ۶۸۰۰۰۰۰ ریال با انحراف معیار بالغ بر ۳۰۰۰۰۰۰ ریال بود. به طور متوسط، پاسخگویان سابقه عضویت ۴/۶ سال در صندوق اعتبارات خرد داشتند که بیشترین آنان (۵۸ یا ۴۰/۳۰٪) دارای سابقه عضویت ۳ تا ۴ سال بودند (جدول ۲). بررسی سطح تحصیلات پاسخگویان نیز نشان داد که بیشترین آنان به ترتیب دارای سطوح تحصیلی دیپلم (۵۴ یا ۳۷/۵۰٪)، ابتدایی (۳۷ یا ۲۵/۷۰٪) و کارشناسی (۲۵ یا ۱۷/۷۰٪) می‌باشند.

جدول ۲. ویژگی‌های فردی زنان روستایی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	دامنه	متغیر
			کمینه	بیشینه
سن (سال)	۳۸/۹۲	۸/۵۰	۱۸	۶۰
تعداد افراد خانواده (نفر)	۳/۶۰	۱/۱۴	۲	۶
میزان درآمد ماهانه (ریال)	۶۸۰۰۶۹۴/۴۴	۳۰۲۸۸۴۷/۲۳	۱۰۰۰۰۰۰	۳۵۰۰۰۰۰۰
سابقه عضویت در صندوق (سال)	۴/۱۶	۱/۴۳	۱	۸
سابقه کشاورزی (سال)	۱۳/۲۴	۵/۷۷	۲	۳۰
دفعات شرکت در دوره‌های آموزشی	۲/۸۴	۲/۲۴	۰	۱۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق

ویژگی‌های اقتصادی زنان روستایی

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که رفاه نسبی خانواده پاسخگویان ($CV=0/327$) مهم‌ترین ویژگی اقتصادی آنان بوده است که $46/5$ درصد (67 نفر) آنان دارای رفاه نسبی در سطح متوسط و $23/6$ درصد (34 نفر) در سطح زیاد و خیلی زیاد بوده‌اند. این در حالی است که $75/8$ درصد (109 نفر) آنان میزان همکاری بانک‌های تأمین اعتبار با اعضای صندوق را در سطح متوسط رو به پایین بیان کرده‌اند (جدول ۳).

جدول ۳. ویژگی‌های اقتصادی زنان روستایی

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه‌ها
۱	۰/۳۲۷	۰/۹۷	۲/۹۹	میزان رفاه نسبی خانواده
۲	۰/۳۲۸	۱/۲۱	۳/۶۹	میزان تأثیر اعضا در فروش و بازاریابی
۳	۰/۳۶۲	۱/۱۸	۳/۲۷	میزان درآمد اعضا
۴	۰/۴۶۱	۱/۲۵	۲/۷۲	میزان همکاری بانک‌های تأمین کننده اعتبار با اعضا

مأخذ: یافته‌های تحقیق

ویژگی‌های اجتماعی زنان روستایی

روحیه همکاری بین اعضا $CV=0/196$ مهم‌ترین ویژگی اجتماعی پاسخگویان است که ۲۷/۱ درصد (۳۹ نفر) آنان دارای روحیه همکاری در سطح متوسط و ۷۲/۲ درصد (۱۰۴ نفر) در سطح زیاد و خیلی زیاد می‌باشند. این وضعیت در حالی است که ۳۱/۳ درصد (۴۵ نفر) آنان میزان افزایش مهارت‌های اجتماعی اعضا را در سطح متوسط رو به پایین و ۶۹/۷ درصد آن را در سطح زیاد و خیلی زیاد بیان کردند (جدول ۴).

جدول ۴. ویژگی‌های اجتماعی زنان روستایی

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه‌ها
۱	۰/۱۹۶	۰/۷۹	۴/۰۵	روحیه همکاری بین اعضا
۲	۰/۲۳۶	۰/۹۳	۳/۹۴	توانایی ارتباط برقرار کردن با دیگران
۳	۰/۲۸۲	۱/۱۴	۴/۰۳	اعتماد اعضا به یکدیگر
۴	۰/۲۸۵	۱/۰۳	۳/۶۳	مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها
۵	۰/۳۰۳	۱/۰۷	۳/۵۳	مشارکت در تصمیم‌سازی پیشبرد اهداف
۶	۰/۳۰۴	۱/۱۲	۳/۶۹	توجه به نظارت و کنترل در فعالیت‌های اعضا
۷	۰/۳۲۱	۱/۲۲	۳/۸۰	افزایش مهارت‌های اجتماعی اعضا

مأخذ: یافته‌های تحقیق

ویژگی‌های آموزشی زنان روستایی

آموزش به منظور آشنایی اعضا با فعالیت‌های صندوق ($CV=0/193$) بالاترین رتبه را بین ویژگی‌های آموزشی داشته است. از بین پاسخگویان، ۳۴/۷ درصد (۵۰ نفر) آشنایی متوسط با صندوق و ۶۱/۸ درصد (۸۹ نفر) آشنایی زیاد و خیلی زیاد داشته‌اند. این در حالی است که ۳۷/۵ درصد (۵۴ نفر) آنان میزان شرکت در کلاس‌های توجیهی را در سطح متوسط رو به پایین و ۶۲/۵ درصد (۹۰ نفر) آن را در سطح زیاد و خیلی زیاد بیان کردند (جدول ۵).

جدول ۵. ویژگی‌های آموزشی زنان روستایی

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه‌ها
۱	۰/۱۹۳	۰/۷۱	۳/۶۷	آشنایی با فعالیت‌های صندوق
۲	۰/۱۹۷	۰/۷۸	۳/۹۹	ارزیابی از کیفیت دوره‌ها
۳	۰/۲۱۱	۰/۷۹	۳/۷۶	مشارکت در کیفیت‌بخشی به دوره‌ها
۴	۰/۲۲۲	۰/۸۲	۳/۷۲	ارزیابی از کمیت دوره‌ها
۵	۰/۳۰۱	۱/۱۳	۳/۷۵	اطلاع رسانی به موقع
۶	۰/۳۱۶	۱/۱۲	۳/۵۴	میزان شرکت در کلاس‌های توجیهی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

ویژگی‌های حمایتی زنان روستایی

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که تمایل اعضا در همکاری با صندوق ($CV=0/219$) مهم‌ترین ویژگی حمایتی پاسخگویان است که ۳۱/۹ درصد آنان دارای انگیزه همکاری در سطح متوسط و ۶۶ درصد در سطح زیاد و خیلی زیاد می‌باشند. این وضعیت در حالی است که ۲۴/۳ درصد آنان میزان حمایت سازمان‌های دولتی و غیردولتی مرتبط با صندوق را در سطح متوسط رو به پایین و ۷۵/۷ درصد آن را در سطح زیاد و خیلی زیاد بیان کردند.

جدول ۶. ویژگی‌های حمایتی زنان روستایی

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه‌ها
۱	۰/۲۱۹	۰/۸۶	۳/۹۴	تمایل به همکاری با صندوق
۲	۰/۲۸۵	۱/۰۴	۳/۶۵	برخورداری از حمایت اعضای خانواده
۳	۰/۲۹۱	۱/۱۲	۳/۸۵	برخورداری از حمایت سازمان‌های دولتی و غیردولتی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

ویژگی‌های شخصیتی زنان روستایی

نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد که نوآوری، خلاقیت و ابتکار عمل ($CV=0/173$) مهم‌ترین ویژگی شخصیتی پاسخگویان است که ۱۸/۸ درصد (۲۷ نفر) آنان دارای نوآوری، خلاقیت و ابتکار عملی در سطح متوسط و ۷۹/۱ درصد (۱۰۴ نفر) در سطح زیاد و خیلی زیاد بوده‌اند. این وضعیت

در حالی است که ۳۳/۴ درصد (۴۸ نفر) پاسخگویان میزان ریسک‌پذیری را در سطح متوسط رو به پایین و ۶۶/۶ درصد (۹۶ نفر) آن را در سطح زیاد و خیلی زیاد بیان کردند.

جدول ۷. ویژگی‌های شخصیتی زنان روستایی

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه‌ها
۱	۰/۱۷۳	۰/۶۸	۳/۹۷	نوآوری و خلاقیت و ابتکار عمل
۲	۰/۱۸۵	۰/۷۱	۳/۸۶	اعتماد به نفس
۳	۰/۲۲۲	۰/۸۹	۴/۰۳	انگیزه و علاقه شخصی
۴	۰/۲۲۶	۰/۹۰	۴/۰۱	شجاعت در تصمیم و مسئولیت‌پذیری
۵	۰/۲۳۷	۰/۹۳	۳/۹۴	ریسک‌پذیری

مأخذ: یافته‌های تحقیق

ویژگی‌های عملکردی صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی

نتایج جدول ۸ نشان می‌دهد که نوآوری در عملکرد صندوق (CV=۰/۲۱۳) مهم‌ترین ویژگی عملکردی صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی است که ۳۶/۸ درصد (۵۳ نفر) آنان نوآوری صندوق را در سطح متوسط و ۵۹/۷ درصد (۸۸ نفر) در سطح زیاد و خیلی زیاد بیان کردند. این در حالی است که ۳۹/۹ درصد (۵۸ نفر) پاسخگویان پیگیری به موقع درخواست‌ها را در سطح متوسط رو به پایین و ۵۹/۸ درصد (۸۶ نفر) آن را در سطح زیاد و خیلی زیاد بیان کردند.

جدول ۸. ویژگی‌های عملکردی صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه‌ها
۲	۰/۲۳۸	۰/۹۲	۳/۹۰	آگاه‌سازی از توانایی‌های بالقوه در صندوق
۳	۰/۲۶۲	۱/۰۱	۳/۸۵	ارائه به موقع خدمات
۴	۰/۲۶۹	۰/۹۳	۳/۴۹	مسئولیت‌پذیری کارشناسان صندوق
۵	۰/۲۷۷	۱/۰۴	۳/۷۶	پیگیری به موقع درخواست‌ها

مأخذ: یافته‌های تحقیق

ارزیابی میزان موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی

در این تحقیق، برای ارزیابی میزان موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی از ۲۳ گویه استفاده شد و از پاسخگویان خواسته شد میزان موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی را در یک مقیاس پنج قسمتی بیان کنند. همان‌گونه که ذکر شد، میزان موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی در پنج بعد توانمندسازی، مشارکت، افزایش درآمد، ارائه تسهیلات و ارائه خدمات آموزشی دیده شده است. به این منظور ابتدا میانگین و انحراف معیار و درصد تغییرات مربوط به هر یک از مؤلفه‌های موفقیت به دست آمد. ابعاد مذکور بر اساس ضریب تغییرات رتبه بندی شدند. برپایه جدول ۹، بیشترین میزان موفقیت صندوق‌های اعتبارات خرد، در زمینه افزایش سطح مشارکت زنان (میانگین: ۲۰/۲۱؛ ضریب تغییرات: ۰/۱۴۲) و کمترین موفقیت در ارائه خدمات آموزشی بوده است (میانگین: ۱۷/۵۹؛ ضریب تغییرات: ۰/۲۲۸).

جدول ۹. رتبه بندی مؤلفه های موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	دامنه نمرات	ابعاد موفقیت
۱	۰/۱۴۲	۲/۸۸	۲۰/۲۱	۲۵-۵	مشارکت
۲	۰/۱۶۶	۳/۲۳	۱۹/۳۷	۲۵-۵	توانمندسازی
۳	۰/۲۰۸	۲/۱۸	۱۰/۴۵	۱۵-۳	افزایش درآمد
۴	۰/۲۳۱	۳/۳۲	۱۵/۵۶	۲۵-۵	ارائه تسهیلات
۵	۰/۲۲۸	۴/۰۱	۱۷/۵۹	۲۵-۵	ارائه خدمات آموزشی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

به منظور توصیف کیفی متغیر میزان موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی از روش «فاصله انحراف معیار از میانگین»^۱ استفاده شد. در این روش، براساس امتیازات کسب شده، چهار سطح زیر برآورد می‌شود (صدیقی و درویش نیا، ۱۳۸۱):

1. Interval of Standard Deviation from the Mean (ISDM)

A = ضعیف: $A < \text{Mean} - \text{Sd}$ B = متوسط: $\text{Mean} - \text{Sd} < B < \text{Mean}$ C = خوب: $\text{Mean} < C < \text{Mean} + \text{Sd}$ D = عالی: $\text{Mean} + \text{Sd} < D$

در روابط فوق، Mean میانگین و Sd انحراف معیار است.

در جدول ۱۰ بررسی کیفی میزان موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی به تفکیک ابعاد مبتنی بر دسته بندی ISDM آمده است. ۱۸/۱ درصد موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی را در بعد مشارکت ضعیف، ۱۵/۳ درصد متوسط، ۶۰/۴ درصد خوب و ۶/۳ درصد عالی دانستند. ۱۲/۵ درصد موفقیت این صندوق را در بعد توانمندی ضعیف، ۴۷/۲ درصد متوسط، ۱۹/۴ درصد خوب و ۲۰/۸ درصد عالی ذکر کردند. ۲۴/۳ درصد موفقیت صندوق را در بعد افزایش درآمد ضعیف، ۱۷/۴ درصد متوسط، ۳۷/۵ درصد خوب و ۲۰/۸ درصد عالی دانستند. ۱۰/۴ درصد موفقیت صندوق را در بعد ارائه تسهیلات ضعیف، ۴۷/۹ درصد متوسط، ۲۱/۵ درصد خوب و ۲۰/۱ درصد عالی بیان کردند. ۲۰/۸ درصد موفقیت صندوق را در بعد خدمات آموزشی ضعیف، ۲۲/۹ درصد متوسط، ۳۴/۰ درصد خوب و ۲۲/۲ درصد عالی ذکر کردند. و سرانجام ۱۸/۱ درصد موفقیت صندوق را ضعیف، ۲۵ درصد متوسط، ۴۶/۵ درصد خوب و ۱۰/۴ درصد عالی دانستند.

جدول ۱۰. بررسی میزان موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی به تفکیک ابعاد و حالت کلی

	مشارکت	توانمندی	افزایش درآمد	ارائه تسهیلات	خدمات آموزشی	موفقیت کلی					
	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	ضعیف	متوسط	خوب	عالی	
ضعیف	۱۸	۱۲/۵	۳۵	۲۴/۳	۱۵	۱۰/۴	۲۶	۲۰/۸	۳۰	۱۸/۱	۲۶
متوسط	۶۸	۴۷/۲	۲۵	۱۷/۴	۶۹	۴۷/۹	۳۶	۲۲/۹	۳۳	۱۵/۳	۲۲
خوب	۲۸	۱۹/۴	۵۴	۳۷/۵	۳۱	۲۱/۵	۶۷	۳۴/۰	۴۹	۶۰/۴	۵۷
عالی	۳۰	۲۰/۸	۳۰	۲۰/۸	۲۹	۲۰/۱	۱۵	۲۲/۲	۳۲	۶/۳	۹

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همبستگی بین ویژگی‌های پاسخگویان و عملکرد صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی با میزان موفقیت آن

به منظور توصیف میزان همبستگی از الگوی هینکل و همکاران (۱۹۸۸) استفاده شد. این الگو به شرح زیر می‌باشد: ۰ تا ۰/۳۰ = جزئی، ۰/۳۰ تا ۰/۵۰ = پایین، ۰/۵۰ تا ۰/۷۰ = متوسط، ۰/۷۰ تا ۰/۹۰ = زیاد، و ۰/۹۰ تا ۱ = خیلی زیاد.

ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که ویژگی‌های اقتصادی ($P=0/126$ و $r=0/128$) ارتباطی با میزان موفقیت صندوق ندارند. اما بین ویژگی‌های اجتماعی ($P \leq 0/01$ و $r=0/324$)، آموزشی ($P \leq 0/01$ و $r=0/440$)، حمایتی ($P \leq 0/01$ و $r=0/358$) و شخصیتی پاسخگویان ($P \leq 0/01$ و $r=0/426$) و ویژگی‌های عملکردی صندوق ($P \leq 0/01$ و $r=0/563$) با میزان موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و این روابط با توجه به الگوی مذکور به ترتیب در سطوح پایین، پایین، پایین، پایین و متوسط گزارش می‌شوند (جدول ۱۱).

جدول ۱۱. همبستگی بین ویژگی‌های پاسخگویان و عملکرد صندوق اعتبارات خرد با میزان موفقیت

آن

توصیف همبستگی	ضریب همبستگی و سطح معنی‌داری		متغیرها
	p	r	
عدم همبستگی	۰/۱۲۶	۰/۱۲۸	ویژگی‌های اقتصادی پاسخگویان
پایین	۰/۰۰۰	۰/۳۲۴**	ویژگی‌های اجتماعی پاسخگویان
پایین	۰/۰۰۰	۰/۴۴۰**	ویژگی‌های آموزشی پاسخگویان
پایین	۰/۰۰۰	۰/۳۵۸**	ویژگی‌های حمایتی پاسخگویان
پایین	۰/۰۰۰	۰/۴۲۶**	ویژگی‌های شخصیتی پاسخگویان
متوسط	۰/۰۰۰	۰/۵۶۳**	ویژگی‌های عملکردی صندوق

**P ≤ 0.01

مأخذ: یافته‌های تحقیق

مدل پیش‌بینی‌کننده میزان موفقیت صندوق های اعتبارات خرد زنان روستایی

در این تحقیق، برای پیش‌بینی میزان موفقیت صندوق های اعتبارات خرد زنان روستایی از رگرسیون چندگانه به روش گام‌به‌گام تحت نرم‌افزار SPSS استفاده شد. رگرسیون چندگانه با استفاده از ترکیب خطی چند متغیر مستقل به پیشگویی متغیر وابسته می‌پردازد. در واقع، روش گام‌به‌گام روشی است که در آن قوی‌ترین متغیرها یک‌به‌یک وارد معادله می‌شوند و این کار تا زمانی ادامه می‌یابد که خطای آزمون معنی‌داری به پنج درصد برسد. پس از ورود کلیه متغیرهای مستقل دارای همبستگی معنی‌دار، متغیرهای "ویژگی های عملکردی صندوق و ویژگی های اجتماعی، حمایتی و شخصیتی پاسخگویان" در معادله باقی ماندند. مقدار ضریب تبیین تعدیل شده $0/501$ می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای وارد شده در معادله توانایی تبیین $50/1$ درصد از تغییرات متغیر میزان موفقیت صندوق های اعتبارات خرد زنان روستایی را دارند. ضرایب استاندارد شده (β) نشان می‌دهد که ویژگی های عملکردی صندوق نسبت به سایر عوامل، سهم و نقش بیشتری در تبیین میزان موفقیت صندوق های اعتبارات خرد زنان روستایی دارد (جدول ۱۲).

جدول ۱۲. ضرایب رگرسیون چندگانه گام به گام (متغیره وابسته تحقیق: میزان موفقیت صندوق)

P	t	β	B	متغیرهای مستقل
0/011	2/589	-	15/33	عدد ثابت
0/000	7/251	0/476	1/687	ویژگی های عملکردی صندوق (X_1)
0/008	2/697	0/308	0/995	ویژگی های اجتماعی پاسخگویان (X_2)
0/001	3/282	0/205	0/907	ویژگی های حمایتی پاسخگویان (X_3)
0/007	2/722	0/213	0/778	ویژگی های شخصیتی پاسخگویان (X_4)
$R^2=0/501 \quad R=0/708$				

بر پایه اطلاعات جدول فوق و با استفاده از فرمول زیر می‌توان میزان موفقیت صندوق‌های

اعتبارات خرد زنان روستایی را تخمین زد:

$$Y = a + b_1(X_1) + b_2(X_2) + b_3(X_3) + b_4(X_4)$$

$$Y = ۱۵/۳۳ + ۱/۶۸۷ (X_1) + ۰/۹۹۵ (X_2) + ۰/۹۰۷ (X_3) + ۰/۷۷۸ (X_4)$$

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج توصیفی تحقیق نشان دادند که میزان موفقیت صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی در شهرستان قائمشهر استان ساری به طور میانگین در سطح متوسط تا زیاد بود. این در حالی است که بیش از نیمی از زنان روستایی عضو این صندوق‌ها (۸۲ نفر یا ۵۶/۹٪) میزان موفقیت آن را در سطح خوب و عالی ارزیابی کردند. مصاحبه‌های میدانی و گزارش‌های پاسخگویان نشان دادند که در شروع اجرای طرح، شرکت کنندگان در برنامه با تصور آنکه وام‌ها بلاعوض یا بدون بهره هستند، آن‌ها را صرف هزینه‌های جاری کردند، در حالی که در مراحل بعدی، تجربه اجراکنندگان و شرکت کنندگان در برنامه آن‌ها را به سرمایه‌گذاری در دارایی‌های مولد و ثابت و به‌دنبال آن افزایش درآمدهای خانوار سوق داد.

نتایج تحلیلی تحقیق نشان داد که بین ویژگی‌های اقتصادی و میزان موفقیت صندوق رابطه معنی‌داری وجود ندارد (مغایر با یافته‌های تحقیقات کوشکی، ۱۳۹۰ و Mulunga, 2010; Volschenk, 2002). اما بین ویژگی‌های اجتماعی (مورد تأیید در تحقیقات کوشکی، ۱۳۹۰؛ Mulunga, 2010; Sanyang & Huang, 2008)، آموزشی (مورد تأیید در تحقیقات کوشکی، ۱۳۹۰؛ Sanyang & Huang, 2008) و شخصیتی (مورد تأیید در تحقیق کوشکی، ۱۳۹۰؛ Mulunga, 2010) پاسخگویان و ویژگی‌های عملکردی صندوق با میزان موفقیت صندوق رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. این نتایج نشان می‌دهد که با تغییر ویژگی‌های اجتماعی، آموزشی، حمایتی و شخصیتی پاسخگویان و ویژگی‌های عملکردی صندوق میزان موفقیت این صندوق‌ها نیز تغییر می‌یابد و یا بالعکس. از طرفی، این نتایج نشان داد که تفاوت معنی‌داری بین نظرات زنان روستایی که از وام صندوق برای توسعه کسب و کار موجود استفاده کردند و زنانی که از این وام استفاده نکردند، در مورد میزان موفقیت صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی، وجود دارد به طوری که افرادی که هنوز از وام صندوق برای توسعه کسب و کار موجود استفاده نکرده‌اند نظر

مثبت‌تری نسبت به موفقیت صندوق نسبت به زنان روستایی داشته‌اند. این نتایج همچنین نشان می‌دهد که مبلغ وام‌های پرداختی برای راه‌اندازی شغل و کسب و کار جدید ناکافی است و این اعتبارات پرداختی در زمینه ایجاد اشتغال موفق نبوده است. از این رو، توصیه می‌گردد که مطالعات علمی دقیقی در زمینه میزان سرمایه لازم برای ایجاد شغل‌های جدید متناسب با شرایط و موقعیت‌های هر منطقه انجام گیرد و مبلغ وام‌های پرداختی براساس این مطالعات پرداخت گردد.

نتایج تحلیل رگرسیونی نشان داد که متغیرهای "ویژگی‌های عملکردی صندوق و ویژگی‌های اجتماعی، حمایتی و شخصیتی پاسخگویان" توانایی تبیین ۵۰/۱ درصد از تغییرات متغیر میزان موفقیت صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی را دارند. از طرفی، با بررسی ضرایب استاندارد شده مشخص شد که ویژگی‌های عملکردی صندوق ($\beta=۰/۴۷۶$) نسبت به سایر عوامل، سهم و نقش بیشتری در تبیین میزان موفقیت صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی دارد به طوری که یک واحد تغییر در انحراف معیار آن منجر به ۰/۴۷۶ تغییر در انحراف معیار متغیر میزان موفقیت صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی می‌شود. با توجه به این یافته، توصیه‌های زیر ارائه می‌شود:

- با توجه به اینکه استفاده کنندگان از وام دیدگاه منفی‌تری نسبت به موفقیت صندوق داشتند می‌توان استنباط کرد که وام‌ها نتوانسته‌اند در حد انتظار زنان روستایی باعث ایجاد آثار مثبت در توسعه کسب و کار شوند. بنابراین، ضروری است برنامه‌ریزی جهت هدایت وام‌ها (از لحاظ مقدار و نحوه اختصاص) به نحوی صورت گیرد که مورد استفاده مؤثر زنان روستایی عضو صندوق در جهت توسعه کسب و کارشان قرار گیرد.

- از آنجا که وضعیت اقتصادی زنان عضو صندوق در سطح پایین بوده است پیشنهاد می‌شود اعضا ترغیب به ایجاد کسب و کارهای جدید به صورت مشارکتی شوند.

- با توجه به اهمیت ویژگی‌های عملکردی در موفقیت صندوق بایستی خلاقیت و نوآوری به عنوان زمینه رشد و شکوفایی صندوق در عرصه اقتصادی و اجتماعی توسعه یابد و در اولویت کاری برنامه‌ریزان صندوق قرار گیرد.

- از آنجا که کمترین موفقیت صندوق‌ها در زمینه ارائه خدمات آموزشی بوده است پیشنهاد می‌شود در طرح اعتبارات خرد توسط دفتر امور زنان روستایی و عشایر وزارت جهاد کشاورزی بازننگری و بودجه و اقدامات مؤثرتری برای آموزش اعضای این صندوق‌ها پیش‌بینی شود.
- از آنجا که بیشترین موفقیت صندوق‌ها در زمینه افزایش سطح مشارکت زنان روستایی برآورد شده است پیشنهاد می‌شود سایر طرح‌ها و برنامه‌های امور زنان روستایی، که نیازمند وجود بستر مشارکت هستند، به اعضای صندوق‌های اعتبارات خرد واگذار شوند تا ضمن درآمدزایی بیشتر برای اعضای صندوق، موفقیت طرح‌ها بیشتر تضمین گردد.
- در نهایت، پیشنهاد می‌شود مطالعات علمی دقیق در زمینه نحوه دقیق استفاده از وام‌ها صورت پذیرد تا بر اساس نمونه‌های موفق‌تر، برنامه‌ریزی لازم برای ایجاد و توسعه منابع جدید درآمدی برای زنان روستایی متناسب با شرایط و موقعیت‌های هر منطقه صورت گیرد.

منابع

۱. ازکیا، م. و ایمانی، ع. (۱۳۸۴). نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی و ایجاد اشتغال زندانیان آزاد شده. همایش توسعه روستایی و کاهش فقر. بانک کشاورزی. تهران.
۲. بریمانی، ف.، نیک منش، ز.، خداوردی لو، س. (۱۳۹۲). بررسی نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی نمونه موردی: دهستان لکستان شهرستان سلماس. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۱(۱)، ۶۹-۸۲.
۳. حسن زاده، ع. (۱۳۸۳). توسعه مالی: رهیافتی مناسب در برنامه‌های فقرزدایی. تهران: نشر تارنما.
۴. زارع، ب. و میرباقری، ا. (۱۳۹۲). مطالعه عوامل فردی اجتماعی موثر بر گرایش به مشارکت زنان روستایی در صندوق اعتبارات خرد استان مازندران. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۲(۴۶)، ۴۶۱-۴۹۸.
۵. صدقی سیگارچی، ن. (۱۳۸۹). اهداف توسعه هزاره و اعتبارات خرد، سازمان ملل، ۲۰۰۵، چاپ اول. تهران: انتشارات دفتر بازاریابی و بهره‌وری تعاونی‌ها.

۶. صدیقی، ح. و درویش نیا، ع. ا. (۱۳۸۱). بررسی میزان موفقیت شرکت های تعاونی تولید روستایی استان مازندران. *مجله علوم کشاورزی ایران*، ۳۳(۲)، ۳۱۳-۳۲۳.
۷. علاء الدینی، پ. و جلالی موسوی، ا. (۱۳۸۹). ارزیابی اثربخشی برنامه پشتیبانی خدمات مالی خرد و صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی در ایران. *مجله توسعه روستایی*، ۲(۲)، ۶۱-۷۶.
۸. عمادی، م. (۱۳۸۴). نقش اعتبارات خرد در تسریع فرآیند توسعه روستایی: مقایسه دو دیدگاه. همایش توسعه روستایی و کاهش فقر. بانک کشاورزی. تهران.
۹. فوائدی، ف.، چهارسوقی امین، ح. و علی پور، ح. (۱۳۹۰). عوامل تأثیرگذار بر موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی: مطالعه موردی پروژه بین المللی ترسیب کربن. *فصلنامه روستا و توسعه*، ۱۴(۴)، ۴۹-۶۵.
۱۰. کوشکی، ف.، ایروانی، ه. و کلاتری، خ. (۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر بهبود مشارکت زنان در صندوق های اعتبارات خرد روستایی: مطالعه موردی استان کرمانشاه. *فصلنامه روستا و توسعه*، ۱۴(۱): ۳۳-۱۵.
۱۱. محمدی یگانه، ب. (۱۳۹۲). توسعه کارآفرینی و نقش آن در هزینه اعتبارات فردی و گروهی کشاورزی استان زنجان. *فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی* ۲: ۴ (پیاپی ۶)، ۴۳-۵۶.
۱۲. معظمی، م. و رحیمی، ع. (۱۳۸۴). بررسی پوشش و پایداری برنامه اعتبارات خرد، مطالعه موردی، صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی. تهران: مرکز تحقیقات روستایی و دفتر امور زنان روستایی وزارت جهاد کشاورزی.
۱۳. نجفی، ب. (۱۳۸۴). تجربه اعتبارات خرد کشاورزی سنتی و دهقانی ایران. همایش توسعه روستایی و کاهش فقر. تهران. بانک کشاورزی. تهران.
14. Anderson., L. & Locker, L. (2002). Microcredit, social capital, and common pool resources. *World Development*, 30 (1), 95-105.
15. Cohen, J. (1988). *Statistical power analysis for the behavioral sciences* (2nd edition). Hillsdate, NJ: Erlbaum Publishing.

16. De Vita, L., Mari, M., & Poggesi, S. (2014). Women entrepreneurs in and from developing countries: Evidences from the literature. *European Management Journal*, 32 (3), 451–460.
17. Deininger K., & Liu Y. (2013). Economic and social impacts of an innovative self-Help group model in India. *World Development*, 43 (March 2013), 149–163.
18. Hinkle, D. E., Wiersma, W. & Jurs, S. G. (1988). *Applied statistics for the behavioral sciences*. Boston, MA: Houghton Mifflin Company.
19. Krejcie, R. V. & Morgan, D. V. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational and Psychological Measurement*, 30, 608.
20. Mulunga, M. A. (2010). *Factors affecting the growth of microfinance institutions in Namibia*. Unpublished dissertation. Bellville: University of Stellenbosch.
21. Sanyang, E. S.& Huang, W. (2008). Micro-financing: Enhancing the role of women's group for poverty alleviation in rural Gambia. *World Journal of Agricultural Sciences*, 4 (6), 665-673.
22. Volschenk, J. (2002). *Problems experienced by South African Microfinance Institutions (MFIs): Priorities and trends*. Unpublished dissertation. Bellville: University of Stellenbosch.
23. Weber, O., & Ahmad, A. (2014). Empowerment through microfinance: The relation between loan cycle and level of empowerment. *World Development*, 62, 75–87.

Factors Affecting the Rural Women Micro Credit Program Success in Ghaem-Shahr Township

A. Ahmadpour^{1}, M Abdi Tarkami², Sh. Soltani³*

Received: 04/05/2014

Accepted: 13/10/2014

Abstract

The purpose of this descriptive- analytical research was to assess the success of Micro Finance Program (MFP) of rural women. The research instrument used was a questionnaire that its validity was established by a panel of experts and its reliability was confirmed by a pilot-test. Cronbach alpha coefficient gained was (0.84). The target population were rural women in Ghaem-shahr Township who were members of micro-credit funds (N=225). A stratified sampling technique was used through Krejcie and Morgan's Table to determine the sample size (n=114). The descriptive result of research indicated that the success of these funds was satisfactory as perceived by the respondents' viewpoints. The inferential statistics results showed that there was a positive significant relationship between social, educational, cultural, and personality characteristics of respondents and the success of micro-credit funds. The findings of the bivariate regression revealed that 50.1 percent of variations in the dependent variable were by social, cultural, and personality characteristics of respondents. Having training programs for members and motivating participants to participate in developing and delivery educational programs were among main suggestions provided in this research.

Keywords: Micro Finance Program, Rural Women, Ghaem-Shahr Township

1. Assistant Professor, Department of Agricultural Extension and Education, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran

*Corresponding Author

E-mail: Ahmadpour@iausari.ac.ir

2 . Former Master Student, Department of Agricultural Extension and Education, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran

3. Assistant Professor, Agricultural Planning, Economic and Rural Development Institute, Tehran, Iran